

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بیانات حضرت استاد در بزرگداشت روز معلم

من بر خود لازم می‌دانم از محبت‌های فضایل بزرگوار که نسبت به حقیر ابراز داشتند، تشکر کنم. واقعاً عرض می‌کنم (و این از سر تواضع است نه با هدف دیگری) که خجالت می‌کشم خود را معلم یا استاد بنامم! این عنوان شایسته اساتید ما، بزرگان، مراجع عظام و شخصیت‌هایی همچون امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) است که شاهد بودیم چه شخصیت‌های برجسته‌ای در مکتب درس ایشان تربیت یافتند.

در هر صورت، خدا را شاکرم که از سال 1360 تدریس رسمی را آغاز کردم، هرچند پیش از آن نیز گهگاه درس‌هایی داشته‌ام. از سال 1360 در مدرسه مبارکه رضویه، تدریس کتاب معالم را شروع کردم و به لطف خدا، توفیق آن را داشته‌ام که چهار یا پنج دوره این کتاب را در آنجا تدریس کنم و تا به امروز نیز این توفیق الهی شامل حال من بوده است. به نظر من، هیچ توفیقی در این دنیا بالاتر از این نیست که انسان بتواند علوم اهل بیت (علیهم السلام) و آل محمد (صلی الله علیه و آله) را در حد بضاعت ناچیز خود فرا بگیرد و آن را به دیگران منتقل کند. این عنایت الهی و دعای ائمه معصومین (علیهم السلام) و امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) است که ما را به طلبگی و سربازی آن حضرت مفتخر ساخته است. حال نیز به امید قربت الهی و به عنوان زکات علم، این درس و تدریس را ادامه می‌دهیم.

تاکید بر حفظ حضور در درس

آنچه در این مناسبت مهم است و می‌خواهم عرض کنم، چند مطلب است. اولاً، تلاش کنید این درس و بحث‌ها حفظ شود؛ زیرا قوام و پایداری حوزه علمیه به وجود همین درس و بحث‌هاست. همین درس و بحث‌ها بوده است که حوزه‌های علمیه را حفظ کرده است. ضمن اینکه ما برای دانشگاه و اساتید محترم دانشگاه نیز ارزش قائلیم و منکر ارزش علم در آنجا نیستیم! اما این علوم حوزوی و این درس و بحث‌ها که من با اختیار خود و بدون هیچ عاملی جز وظیفه شرعی بر این منبر می‌نشینم و (خدا نکند اگر انسان هدفی غیر از وظیفه شرعی داشته باشد که آن هلاکت و بدبختی بزرگی است!) و شما را نیز به این مجلس می‌کشاند، این عامل مختص به حوزه است. حوزه این‌گونه شکل می‌گیرد که درسی برای خدا و به منظور علم‌آموزی، فهم کلام خدا و سنت رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) و ائمه معصومین (علیهم السلام) شکل بگیرد.

یکی از نگرانی‌های من این است و خدا نیاورد آن روزی را که ببینیم دیگر خبری از این درس و بحث‌ها نیست. اینکه فردی به دستور یک مسئول، بخشی از یک کتاب را بگوید و چند نفر بنشینند و بعد هم امتحان بدهند، این تفقه نیست. حقیقت حوزه، تفقه است و تفقه یعنی فهم عمیق، همان فهم عمیقی که در آثار شیخ انصاری و آخوند خراسانی می‌بینیم. حال اگر ما باییم این آثار را در چند بند خلاصه کنیم و چند سؤال هم بدهیم و شکلی از آن درست کنیم و اسمش را بگذاریم کتاب درسی، آیا این واقعاً موجب تفقه می‌شود؟ ما در چنین روزی باید بدانیم که پیام و جوهر اصلی حوزه، در کنار تزکیه و تهذیب نفس که امام خمینی (رضوان الله علیه) چقدر بر آن تأکید داشتند، همین تفقه است.

زحمات مرحوم آیت الله فاضل لنکرانی در رشد حوزه پس از انقلاب

در ده سال اول پس از پیروزی انقلاب که اگرچه شورایی حوزه را اداره می‌کرد، مسئول اصلی آن مرحوم والد ما (رضوان الله علیه) بود که به همراه دوستانشان زحمات بسیاری برای حوزه کشیدند که باید در جای خود به آن پرداخته شود.

مرحوم والد ما ضمن تدریس و بحث خود، ضمن تألیفاتش و آن کتاب شرح تحریر الوسیله که 27 جلد است و سایر آثارش، نقش بسیار مهمی در جامعه مدرسین داشت و داستان‌های فراوان و نقش اساسی ایشان در آن قضایا خود جلساتی جداگانه می‌طلبید. جامعه مدرسین بود و همین جامعه المصطفی (که آن زمان به عنوان طلاب خارجی حوزه مطرح بود) بنیانش را ایشان و دوستانشان گذاشتند و زحمات بسیاری برای برنامه‌ریزی خاص برای آن‌ها کشیدند. جامعه الزهرا و دانشگاه قم که متعلق به جامعه مدرسین است نیز همین‌طور بودند. نمی‌خواهم خدمات مرحوم والدین را به طور کامل عرض کنم. ایشان که مسئولیت حوزه را داشت، می‌فرمود هر بار خدمت امام می‌رفتم، امام می‌فرمودند آقای فاضل اخلاق! حتی وقتی عرض می‌کردم چه کسی را برای درس اخلاق دعوت کنیم، می‌گفتند بگردید از پیرمردهای حوزه که می‌توانند اخلاق بگویند دعوت کنید که از بعضی دعوت کردند. خود ایشان در مدرسه فیضیه مرحوم آیت الله بهاءالدینی را دعوت کردند، منتهی یک مدت کوتاهی درس تشکیل شد و بعد تعطیل شد. ضمن اینکه تهذیب و اخلاق در هویت حوزه وجود دارد، تفقه نیز جایگاه خود را دارد و دوام تفقه به همین درس‌هاست؛ درسی که استاد و طلبه به صورت دستوری کنار هم ننشینند، بلکه هم برای خدا باشد و هم بر پایه اعتقاد علمی. الحمدلله امروز قم اساتید بسیار برجسته‌ای هم در درس خارج و هم در سطوح دارد و باید واقعاً میدان برای این‌ها باز شود، ولی متأسفانه می‌بینیم روش‌هایی اتخاذ می‌شود که هر سال میدان تدریس بسته‌تر می‌شود و این خطر بزرگی برای حوزه است.

من خدا را شکر می‌کنم که این 44 سالی که مشغول تحصیل هستیم، سراسر لطف و فضل خدا بوده است. چقدر انسان در این جلسات درس رشد می‌کند! این لطف خداست و باید خدا را شکر کنیم و دعا کنیم که این وضعیت باقی بماند؛ زیرا هویت حوزه همین است. این یک نکته بود. اگر هم خدایی نکرده برنامه‌های حوزه در این مسیر نبود، خود شما این مسیر را حفظ کنید؛ خودتان با چند نفر، ولو با یک حلقه کوچک‌تر، مسیر اصلی را نگه دارید.

رشد مسیر فقاقت در سایه انقلاب اسلامی

نکته دوم، مسئله انقلاب است. اگر امروز این درس‌ها را داریم، به برکت انقلاب است و در این تردیدی نیست. امروز اگر فقه ما گستردگی پیدا کرده، به برکت انقلاب است؛ اگر علوم حوزوی توسعه یافته، به برکت انقلاب است. من در جلسه‌ای راجع به فقه معاصر صحبت می‌کردم و این جمله را از من به یاد داشته باشید که فقه معاصر جز با فهم فقه امام و پذیرش فقه امام معنا ندارد و من برای این حرف صدها دلیل دارم. اندیشه امام است که فقه را معاصر می‌کند؛ وگرنه اگر بر پایه اندیشه فقهای قبل یا فقهایی که الآن هستند و اندیشه امام را قبول ندارند باشد، این فقه معاصر نیست. یک اشتباهی می‌کنند و فکر می‌کنند فقه معاصر یعنی فقه مسائل و موضوعات جدید. امروز تلقیح مصنوعی پیش آمده، چه کار کنیم؟ بحث می‌کنند. امروز ارز دیجیتال آمده، چه حکمی دارد؟ بحث می‌کنند. این فقه مسائل مستحدثه است و این غیر از فقه معاصر است. فقه معاصر یعنی فقهی که حکومت دارد، سیاست دارد، امنیت دارد، بهداشت دارد، اقتصاد دارد. این می‌شود فقه معاصر و این غیر از اندیشه امام، اصلاً روی هیچ فکر فقهی دیگری و هیچ مکتب فقهی دیگری، حتی مکتب فقهی شیخ اعظم انصاری که در قله فقها قرار دارد، فقط روی مکتب فقهی امام شکل نمی‌گیرد. گاهی معاصر را به معنای مسائل و موضوعات جدید می‌گیریم؛ شیخ حسین حلی هم در نجف مسائل مستحدثه داشت، راجع به بیمه، راجع به مسائل جدیدی که همان زمان مطرح شده و چاپ هم شده، ولی فقه معاصر یعنی فقهی که توان پاسخگویی در هر میدانی را دارد، فقه اداره زندگی بشر است، می‌گوید بشر چطور زندگی کند؟ این می‌شود فقه معاصر.

تقاضا می‌کنم به این تعریفی که من عرض کردم و این ادعایی که کردم دقت کنید و ببینید امام چه حقی بر حوزه‌ها دارد. حق امام فقط این نبوده که یک حکومت ظالمی را کنار گذاشته و دشمن اصلی اسلام که اسرائیل و آمریکا است را به مردم دنیا

معرفی کرده و یک حکومت جدیدی به وجود آورده؛ فقط این نبوده! باید انقلاب را در حوزه‌ها حفظ کنیم، با همه مشکلاتی که امروز در جامعه ما وجود دارد، از انقلاب تنزل نکنیم. من مکرر این مطلب مرحوم والدمان را که می‌فرمودند از آن روزی که امام انقلاب را آغاز کرد، ما پشت سر امام بودیم تا امروز، اینکه می‌گویم امروز، فرض کنید سه چهار ماه قبل از فوتشان بود و فرمودند من سر سوزنی تردید در راه امام پیدا نکردم، این خیلی حرف است. یک کسی که در مقام بسیار بالایی از اجتهاد است، اجتهاد از جهت فکری خیلی آدم را این طرف و آن طرف می‌برد، ولی فرمود یک تردیدی نکردم، بلکه روز به روز بر ضرورت این کار معتقدتر شدم. لذا این جهت را هم باید توجه داشته باشید.

ویژگی های خاص شهید آیت الله مطهری

جهت سوم هم یاد کنیم از مرحوم علامه شهید مطهری (رضوان الله علیه). ایشان حق بزرگی بر حوزه‌ها و دانشگاه‌ها و هم بر فرهنگ امروز دارند. من در صحبتی که برای همایش حکمت مطهر که دعوتی داشتم برای دوشنبه و موفق نشدم، منتهی یک پیام تصویری دادم، این سؤال را مطرح کردم که چرا اندیشه مطهری زنده و تازه است؟ و فکر کنیم علتش را به دست بیاوریم تا ما هم در این مسیر یک مقدار قدم برداریم. مطهری هر چیزی را که فهمیده بود، عمیق فهمیده بود. من یادم هست بعضی از اساتید ما وقتی مرحوم آقای مطهری پنجشنبه و جمعه‌ها قم می‌آمدند، به درس اسفار ایشان می‌رفتند. من می‌گفتم این همه استاد اسفار هست و شما درس آقایان دیگر بروید، گفت درس آقایان دیگر هم می‌رویم ولی آقای مطهری آن چنان عمیق فهمیده بود. مرحوم والد ما وقتی می‌خواستند از مرحوم مطهری تجلیل کنند، می‌فرمودند مطالب فلسفی و دینی را خیلی عمیق فهمیده بود و این خیلی مسئله مهمی است. یک کسی می‌تواند یک قاعده فلسفی را و حتی عبارات اسفار را از حفظ بخواند ولی چیزی نفهمیده باشد! فقه را از حفظ بخواند، عبارات جواهر را بخواند اما عمیقاً نفهمیده باشد. مرحوم آقای مطهری اسلام را عمیقاً فهمیده بود: فلسفه، فقه، تفسیر، تاریخ، سیره ائمه و هر چه را که کار کرده بود، عمیق بود.

به نظرم مهم‌ترین برجستگی شهید مطهری، فهم عمیقش از دین بود. ما هم در همین مسیر حرکت کنیم، قانع نباشیم، اگر مطلبی را چند نفر گفتند باز نگوئیم چند نفر همین را می‌گویند و درست است، دنبال کنیم، تأمل کنیم. مرحوم مطهری فهم عمیقی از شرایط روز خودش داشت؛ امروز جامعه چه نیاز دارد؟ مردم چه نیاز دارند؟ زن‌ها از جهت فکری چه نیاز دارند؟ جوان‌ها چه نیاز دارند؟ فهم عمیق داشت، شباهت جوان‌ها و نسل زمان خودش را دقیق فهمیده بود و دنبال جواب بود، یا بر منبر جواب می‌داد یا بر کرسی درس در دانشگاه یا در حوزه‌ها. این‌ها از مرحوم مطهری، مطهری ساخت. یک روحانی در حوزه باید همین مسیر را طی کند، البته من نمی‌گویم همه باید برویم در مسیر آقای مطهری! یک کسی باید بنشیند فقه تدریس کند و این نمی‌تواند با نسل امروز در جامعه ارتباط برقرار کند، ولی همین را عمیق تدریس کند و بفهمد. یک کسی تفسیر، یک کسی علوم دیگر، یک کسی هم جامع می‌شود مثل مرحوم مطهری (رضوان الله تعالی علیه). علی ای حال وقتی مطهری شهید شد، امام فرمودند من حاصل عمرم را از دست دادم؛ یعنی امام می‌فهمید که مطهری کیست؟ ما داریم یک گوشه‌هایی از این شخصیت بزرگ را می‌گوئیم. حاصل عمر امام بود، یعنی حاصل عمر فلسفی، فقهی، سیاسی، اخلاقی امام که خیلی مقام بالایی داشت، خیلی عنوان بزرگی بود که امام برای مرحوم مطهری فرمودند. چه اندیشه‌هایی این مرد بزرگ را از حوزه‌ها و کشور گرفت و به شهادت رساند و متأسفانه این اندیشه‌ها در لباس‌های دیگر و اشکال دیگر در زمان ما به یک نحو دیگری وجود دارد که مجال نیست بخواهم عرض کنم.

یاد امام بزرگوار، یاد مراجع درگذشته و یاد همه اساتید در طول تاریخ که بر گردن ما حق دارند را گرامی می‌داریم و برای همه‌شان علو درجه از خدای متعال خواستاریم. من مجدداً از شما فضایی بزرگوار که بنده را امروز خیلی شرمند کرده تشکر می‌کنم و امیدوارم خداوند هر یک از شما را یک فقیه برجسته، یک اصولی قوی و یک مفسر توانمند قرار بدهد.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

